

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: حزب کار ایران (توفان)  
۳۰ اپریل ۲۰۲۳

## مصاحبه با «جعفر قنادباشی»، کارشناس خاورمیانه و شمال آفریقا در مورد تحولات اخیر سودان

برای درک عمیق‌تر از علل بحران کنونی و خطر جنگ داخلی مطالعه این مصاحبه را توصیه می‌کنیم!

همه چیز درباره یک تجزیه شوم

شمارش معکوس برای برگزاری رفراندوم استقلال در بزرگترین کشور مسلمان در قاره آفریقا رو به پایان است. جنوب سودان در ماه جنوری ۲۰۱۱ میلادی رفراندومی را برگزار می‌کند که نهال آن را قدرت‌های فرامنطقه‌ای کاشته بودند. جدای از ابعاد سیاسی و اجتماعی این تجزیه، آنچه که بیش از همه اذهان را به خود مشغول داشته، این است که آیا این جدائی، که طرح آن خارج از مرزهای سودان رقم خورده، می‌تواند پایان‌بخش ناآرامی‌هایی باشد که چندین دهه کشور را به خود مشغول داشته است؟ بسیاری از کارشناسان بر این باورند که تجزیه سودان همانا مساوی است با تشدید و گسترش بحران در قاره آفریقا و خاورمیانه و چه بسا آتش این تجزیه بیش از همه سودان را دستخوش ناآرامی کند. «جعفر قنادباشی»، کارشناس آفریقا و خاورمیانه به بررسی چشم‌انداز تجزیه سودان پرداخته است.

### داستان جدائی جنوب سودان از کجا شروع شد؟

«عمر البشیر»، که از ۲۱ سال پیش قدرت را در دست گرفت، وارث جنگ داخلی درازمدتی بود که آغازش به سال‌ها پیش بازمی‌گشت و اصولاً روی کار آمدن وی نیز متأثر از همین فضای جنگ‌های داخلی بود. وی یکی از نظامیان ناراضی از وضعیت موجود بود که از ضعف داخلی کشور به خشم آمده بود و بر همین اساس کودتا کرد و قدرت را در دست گرفت.

اگر ریشه‌های داخلی و تاریخی این جنگ را بررسی کنیم، تاریخی آن به قبل از قرن بیستم باز می‌گردد؛ یعنی بین سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۹۰۰ که در آن زمان استعمار انگلیس در حال فعالیت در این کشور بود. ارتش انگلیس برای نخستین‌بار در لشکرکشی‌های استعماری در قسمت جنوب سودان شکست خورد، اما دست از فعالیت نکشید. دلیل آن هم اهمیت ستراتیژیک و جغرافیایی این بخش از سودان بود. همانطور که می‌دانید سرچشمه‌های رود نیل در این بخش قرار دارد و خلاف سایر بخش‌های صحرائی و لم یزرع سودان، مناطق بسیار سرسبزی در آنجا قرار دارد. اهمیت

ستراتژی یک این بخش سبب شد تا انگلیس بعد از شکست، برنامه هدفمند و درازمدت فرهنگی را در این قسمت اجراء کنند. انگلیس‌ها در ابتداء با رشد و گسترش مسیحیت آغاز کردند و سپس زبان انگلیسی را در این بخش ترویج دادند و در مرحله بعد کوشش کردند با توجه به تفاوت نژادی مردم شمال و جنوب سودان، اهالی جنوب را نسبت به عرب‌ها و مسلمانان بدبین کنند. بدین ترتیب آنها با استفاده از خصومت‌های قبیله‌ئی، مسیحیت و زبان انگلیسی را در این بخش ترویج نمودند. بعدها حمایت‌های نظامی قدرت‌ها نیز به این برنامه‌ها اضافه شد و متعاقب آن امریکائی‌ها وارد صحنه شدند. به خصوص در دوران جنگ سرد، با توجه به گرایش‌های چپ اتیوپی، امریکائی‌ها سعی کردند برای جلوگیری از نفوذ شوروی حضور خود را در این قسمت تقویت کنند. در همین زمان شاخ افریقا شاهد اتفاقات مهمی بود و بسیاری از کشورها متأثر از تحولات بین‌الملل تغییر جهت دادند، مثلاً سومالی که کشوری چپ‌گرا بود، به راست تغییر جهت داد و اتیوپی چپ نیز به راست چرخید و همین‌طور در سایر کشورها. در جنوب سودان نیز دقیقاً شاهد تحولات عظیمی از جمله حضور نیروهای امریکائی و انگلیسی در این بخش بوده و هستیم. همین امر دولت سودان را بسیار ضعیف کرد تا این که ۵ سال پیش قرارداد صلحی میان دولت سودان و بخش جنوب این کشور به امضاء رسید. صلحی که بعد از ۲۰ سال جنگ تمام عیار داخلی و بعد از خصومت‌ها، درگیری‌ها و جنگ‌های مسلحانه در کنیا در محلی به نام «ایواشا» منعقد شد. بر طبق این توافقنامه قرار شد که سرنوشت جنوب سودان در طی ۶ سال به یک همه‌پرسی گذاشته شود. با آغاز سال جدید میلادی مهلت مقرر به پایان می‌رسد و جنوب سودان باید همه‌پرسی مذکور را برگزار کند. در صورتی که مردم در این فرآیند خواستار جدائی باشند، این کشور تجزیه خواهد شد.

### **تأثیر این تجزیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

زمینه‌های این تجزیه خیلی پیش‌تر توسط غربی‌ها از طرق سیاسی، تبلیغاتی، مالی و حتی به راه انداختن درگیری‌های محلی فراهم شده بود. همه تلاش آنها بر این امر قرار گرفته که این بخش از سودان جدا شود. همانطور که می‌دانید سودان به لحاظ وسعت پهناورترین کشور جهان اسلام است. طبیعتاً چنین امری سودان را به کشور کوچکتری تبدیل می‌کند و ثانیاً، براساس اصل دومینو می‌تواند به کشورهای دیگر و حتی به سایر بخش‌های سودان مثل دارفور نیز سرایت کند. به خصوص آن که در این بخش از سودان سال‌هاست که درگیری وجود دارد. لذا این احتمال وجود دارد که انگیزه دارفوری‌ها برای مخالفت با دولت سودان و جدائی تشدید شود.

### **واکنش کشورهای منطقه و همسایه در قبال این روند چه بوده است؟**

کشورهای همسایه از این وضعیت ناراضی‌اند. مثلاً مصری‌ها به این دلیل که سرچشمه‌های اصلی رود نیل از این بخش می‌گذرند، نگرانند که مبدا این بخش مستقل شود و دولت جدیدالتأسیس سدهائی را ایجاد کنند که آب «نیل» به مصر نرسد؛ با توجه به آن که این مسأله برای مصر جنبه حیاتی دارد. کشورهای دیگر نیز از این بیم دارند که این مسائل به کشورشان سرایت کند. البته در مجموعه این کشورها اوگاندا از این روند حمایت می‌کند. نکته قابل توجه دیگر آنست که در این میان اسرائیلی‌ها چون نگران تحرکات سودان در بحیره سرخ و در شمال سودان هستند، علاقه مندند که سودان در جنوب مشغول و سرگرم باشد و اسرائیلی‌ها حتی به روند تجزیه کمک می‌کنند. البته اتحادیه افریقا و کشورهای افریقائی به دلایلی که ذکر شد، خواستار حفظ تمامیت ارضی سودان هستند.

**موضع عمرالبشیر، در این بین چیست؟ با توجه به پیشینه و کارنامه سیاهی که وی در مجامع بین‌الملل دارد به نظر می‌رسد که یارای مقابله با این روند را نداشته باشد.**

«عمرالبشیر» زمانی که «قرارداد نیوآشا» را در سال ۲۰۰۵ امضاء کرد، یکی از اهدافش این بود که طی این ۶ سال کوشش کند تا مردم جنوب را متقاعد کند که به هم‌پرسی رأی منفی بدهند تا سودان تجزیه نشود. بر همین اساس برنامه‌هایی را برای بهبود وضعیت این بخش اجراء کرد، از جمله افزایش بودجه و بازسازی این بخش. باید گفت که دولت سودان همه تلاش‌های لازم را برای جلوگیری از تجزیه انجام داد، اما در جبهه مقابل، غرب با استفاده از همه اهرم‌های خود از جمله تقویت ناآرامی‌ها در دارفور دولت سودان را مشغول کرد. چون دولت به لحاظ سیاسی و نظامی در غرب سرگرم شد، نتوانست زمینه‌های وحدت و خوشبینی جنوب را نسبت به شمال فراهم کند. البته دولت «عمرالبشیر» کار دیگری نیز صورت داد و آن این بود که انتخابات ریاست‌جمهوری را پیش از همه پرسی برگزار کرد و جنوبی‌ها هم در این انتخابات شرکت کردند. البته قبل از این اقدام «عمرالبشیر» جنوبی‌ها را در دولت خود شریک کرده بود و حتی پست‌هایی به جنوبی‌ها در دولت خود به آنها داده بود، مثلاً وزارت خارجه سودان تا سالهای طولانی در اختیار جنوبی‌ها بود.

#### **پیروزی عمرالبشیر با تبلیغات غرب تضادی نداشت؟**

انتخابات که برگزار شد، مشخص شد که «عمرالبشیر» محبوبیتی بیش‌تر از همه گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌ها در سودان دارد و با توجه به آن که انتخابات با حضور ناظران بین‌المللی و حتی «گروه کارتر» برگزار شد، شائبه تقلب نیز شکل نگرفت. لذا همگان تأیید کردند که «عمرالبشیر» محبوبیت زیادی در سودان دارد. حتی در دارفور، که دادگاه بین‌المللی «عمرالبشیر» را محکوم به نقض حقوق بشر کرده بود، در آنجا نیز «عمرالبشیر» رأی خوبی آورد. لذا فشارهای بین‌المللی برای محکومیت «عمرالبشیر» در دادگاه‌های جهانی و بین‌المللی کاهش پیدا کرد.

#### **آیا تنها انتخابات نظر جامعه جهانی را نسبت به «عمرالبشیر» عوض کرد؟**

خیر! دو اتفاق دیگر نیز در صحنه بین‌الملل رخ داد که در این امر دخیل بودند: اول این که در امریکا جمهوری‌خواهان کنار رفتند و «اوباما» روی کار آمد. تلاش «اوباما» این بود که مداخله و تنش‌آفرینی امریکا را در برخی مناطق کاهش دهد و رخدادهای دوام‌ناپذیر سه اتحادیه و پیمان بین‌المللی مهم از «عمرالبشیر» بود که از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اول اتحادیه افریقا بود که با ۵۳ عضوش تعویق و یا لغو تعقیب «عمرالبشیر» از سوی جامعه بین‌الملل را خواستار شدند و دیگری اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی بود که سودان جزئی از آنهاست. کشورهای عضو گروه غیرمتعهدها نیز رأی دادگاه را سیاسی خوانده و اعلام کردند که ابرقدرت‌ها پشت این روند هستند. در واقع فشارها علیه «عمرالبشیر» به این دلیل بود که وی نتواند مقدمات وحدت بین شمال و جنوب را فراهم کند. البته همین امر نیز اتفاق افتاد و نقشه ۹۰ ساله انگلستان برای جدائی سودان در حال حاضر دارد تحقق پیدا می‌کند. در واقع ابرقدرت‌ها در حال استفاده از ثمره گیاهی هستند که نهالش را خیلی قبل‌تر کاشته بودند.

#### **هزینه‌های جدائی سودان - جدای از ابعاد سیاسی و فرهنگی - در بُعد اقتصادی برای کشورهای همسایه چیست؟**

ذکر این نکته ضروری است که جنبه‌های سیاسی و فرهنگی جدائی سودان به مراتب بیش‌تر از جنبه اقتصادی آن است. اما از بُعد اقتصادی باید به اهمیت «رود نیل» در این بین اشاره کرد. «رود نیل» دو شاخه دارد: یک شاخه آن از اتیوپی

می‌آید اما بخش دیگر رود نیل که «رود سفید» خوانده می‌شود و بخش اعظم آن از اوگاندا سرچشمه می‌گیرد، از قسمت جنوب سودان می‌گذرد. سودان و مصر هر دو نگران آنند مسیرهایی که رود نیل به وسیله آن سیراب می‌شود، در معرض تهدید قرار گیرد.

اگر این اتفاق بیفتد، اقتصاد سودان و مصر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. نگرانی دیگر سودان منابع نفتی است که در بین خطوط حائل جنوب و قسمت اصلی سودان قرار دارد و در حال حاضر بحث تقسیم آن نیز در مذاکرات مطرح است. حتی اخیراً درگیری‌هایی نیز بین دو طرف بر سر نفت اتفاق افتاده است. همین مسأله می‌تواند روی صادرات نفت سودان تأثیر بگذارد آن هم با توجه به این که سودان طی سال‌های اخیر در بین کشورهای صادرکننده نفت سالی ۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کند و همین امر درآمد قابل ملاحظه‌ای را برای این کشور به همراه آورده است.

### **آینده را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟ باید منتظر چه تحولاتی در سودان باشیم؟**

خیلی از اتفاقات به چگونگی برگزاری این همه‌پرسی بستگی دارد. در حال حاضر با توجه به اغتشاشات موجود، این احتمال وجود دارد که همه‌پرسی به تعویق بیفتد. دولت سودان هم مایل است که مهلت دیگری پیدا کند تا زمینه‌های وحدت را فراهم کند. ولی اگر چنین چیزی اتفاق نیفتد و جدائی صورت گیرد، دولت جدیدی در این قسمت ایجاد می‌شود که می‌تواند دو فرضیه را در مورد آن محتمل دانست؛ اول این که دولت جدالتأسیس، دولت برادر سودان خواهد بود که پیش‌تر جزئی از خاک سودان بوده و احتمال دیگر آن که جنگی بین دو سودان اتفاق بیفتد، کمابین که پیش‌تر نیز اتفاق مشابهی در اتیوپی و اریتره رخ داده بود. اریتره با یک همه‌پرسی از اتیوپی جدا شد و به کشوری مستقل تبدیل شد و سپس جنگی تمام عیار میان دو کشور اتفاق افتاد که قریب دو سال به درازا کشید و قریب به ده هزار کشته بر جای گذاشت. البته من چنین احتمالی را در مورد سودان کمرنگ می‌دانم، چون شمال و جنوب سودان سال‌ها با یکدیگر در جنگ بوده‌اند و از این مبارزات طولانی خسته شده‌اند و نکته دیگر آن که تشکیل دولت متخاصم در خاک سودان می‌تواند پیامدهای اجتماعی در خصوص پذیرش مهاجران و اتباع شمال و جنوب سودان به وجود بیاورد. طبیعتاً این مناقشات به صورت دامن‌داری در خاک سودان ادامه خواهد یافت.

منبع: «خبر آنلاین»